

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۳۱ شهریور ماه ۱۳۱۹

مهر ست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - بقیه شور اول لایحه آیین دادرسی کیفری از ماده ۴۰۱ تا ۴۲۸
۳ - تصویب دو فقره گزارش مرخصی
۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس سه ربع ساعت پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید
صورت مجلس روز یکشنبه ۲۳ شهریور ماه را آقای (طوسی) منشی خواندند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ (امهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد.

۲ - بقیه شور اول لایحه آیین دادرسی کیفری
از ماده ۴۰۱ تا ماده ۴۲۸

رئیس - بقیه شور اول لایحه دادرسی کیفری از ماده
۴۰۱ مطرح است. ماده ۴۰۱ فراتر می‌شود:

ماده ۴۰۱ - هر گاه تصور شود یکی از گواهان موقفی
که از او بازجویی میشود در حضور متهم حقیقت را نخواهد
گفت دادگاه میتواند دستور دهد متهم را تا وقتی که
بازجویی از گواه جریان دارد از اطاق دادرسی خارج کنند
ولی رئیس دادگاه موظف است به محض اینکه مجدداً اجازه
ورود بمتهم داده شود خلاصه اظهارات و اقدامات دیگری

را که در غیاب او بعمل آمده باو اطلاع دهد - همچنین
هر گاه از لحاظ عدم رعایت انتظامات امر داده باشد متهم
را موقتاً از اطاق دادرسی خارج کنند باید برطبق دستور بالا
رفتار شود.

ولیس - آقای انوار

انوار - يك اصلی در نظر بنده است که بنده از آن اصل
دست بردار نیستم و گمان میکنم در تمام اصول هم حکمفرما
باشد و آن این است که میگویند حق الناس را نمیتوان
ازش گذشت ولی حق الله را خدا میکند این نکته است
که همه ما میگوئیم و معنای اینکه میگویند حق الناس را
نمی‌شود ازش گذشت برای این است که مربوط بحقوق حق
مردم است ولی حق الله را خدا میکند و این همان است که

عین مذاکرات مشروح پنجاه و هشتمین جلسه از دوره دوازدهم قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

لایقین با اجازه - آقایان: مستعم - سنک - هدایت - ذوالقدر - اورنگ - خلیل حریری - لاریجانی - جلالی - نواب زیدی.
غائبین با اجازه - آقایان: نفع‌آلا سلامی - نوبخت - دکتر ضیا - علوی - محمد ضیایی - انتشار - قرشی - آصف - کامل ماکو - معطل
وکیل - امیرتیرود - یاردا - دبستانی - فرخ - وزیري.
دیروز با اجازه - آقای دکتر ادم.

میگویند مبنای مجازات بر تخفیف است که تا ممکن است باید این اصل را اتخاذ کرد و مبنی را بر تخفیف گرفت و این مسئله در تمام احکام هم متمسک است. ازین نقطه نظر عرض میکنم که تخفیر محترم یا اکثریتی که چند از من حکومت خواهند کرد در این عرض بنده لوجه دلالت نباشد - که امری که آمده است در محکم و میخواند گرامی بدهد که منتهی درای این عمل بزه بوده است در اینجا ممکن است گواهی دهند در حقیقت منتهی خلاف واقع بگوید منتهی کاری نکرد ولی او عیبت شاهد بدهد اگر آن کسی را که نمیتوان زده اند حاضر باشد او را بپوشاند گواهی شاید خجاست بکنند و خلاف واقع چیزی نگویند ازین لحاظ اگر منتهی را از دادگاه خارج کنند این خلاف واقع میگوید یا دروغ بگوید - در این جا در لایحه یک کلمه را بیان کرده اند که اگر صورت شود که یکی از گواهان در موقعی که منتهی حاضر باشد در حضور منتهی حقیقت را نخواهد گفت دادگاه میخواند منتهی را خارج کند بنده عرض میکنم عکس اینهم ممکن است در صورتی که منتهی را خارج کنند گواهی خلاف واقع بگوید و دروغی بنشیند و دست بدهد در این موضوع قطع این موضوع ممکن است در طرف داشته باشد و در طرف هم دارد باید آن طرفی را گرفت که مرجح داشته باشد وقتی یک مرجح خارجی دوش پیدا شد باید آن طرف را از نظر ارفاق ببینیم گرفت و در اینجا ما مرجح داریم و آن همان اصل تخفیف مجازات در مورد منتهی است چون مبنی بر تخفیف است و بقدر امکان باید کمتر مجازات شود از این نظر مرجح در آن طرفی است که بنده عرض میکنم که منتهی حضور داشته باشد - اگر چه این حرارت اولیه را یک آب سرد بدوش زده اند و میگویند (دادگاه میخواند) ولی این حکم الزامی نیست و بهتر است آنچه را که بنده عرض میکنم در تحت نظر بگیرند و وقتی که هر دو در حال استواء است باید طرف ارفاق ببینیم گرفت و از خارج هم اطلاع پیدا کردیم که آقای وزیر دادگستری با یک حسن ظنی و یک ملاحظه مخصوص این قانون را جامع کنند و بقدر امکان از حرارتش

ببندازند - خوب بادم است آقای حاجی میرالسلطنه میگفت که پیشی از قوانین فعلی لازم دارد بنده یک فندی میخواهم عرض کنم که این چیزی را هم اگر ممکن است بقدر امکان از قدیش بکنیم این بود که این پیشنهاد را کردم. **وزیر دادگستری (آقای امی) -** البته منظور از قانون آیین دادرسی و خصوصاً در این مورد این است که بهتر کشف حقیقت بشود و مسائلی که مطرح میشود بشود از راه بهتری کشف حقیقت بشود منظور را آطوردی که هست بطور واقع احراز کند و کشف حقیقت کند آقای نماینده محترم هم البته نظرشان همین است منتهی باید اینکه توجه نفرموده اند که اینجا در این ماده رعایت تمام جهات شده و اینقدر تند و عرض میکنم لب سوز نیست که نعلبکی لازم داشته باشد و اسباب زحمت کسی باشد. اینجا همه حکم اختیار داده شده است که در هر موردی که احساس میکنند که ممکن است بتواند از جرمی صحیح و طبیعی به حقیقت برسد راهی را انتخاب کند که بهتر حقیقت را کشف نماید و الزامی در ذکر نیست با اختیار حکم گذاشته شده و این اختیار را هم باید به حکم داد تا اینکه بتوانند بعضی اوضاع را حواله و نسبت بترنگری آطوردی که لازم است تحقیقات را ادامه دهند از گواه و منتهی و کسانیکه باید از آنان تحقیقات بشود تا کامل شود و کشف حقیقت بشود و این ماده هم که نوشته شده منظور ایشان را تأمین میکنند و بگنایر نباید دلالت باشند و طوری نیست که در واقع عکس العملی داشته باشد که سبب نگرانی نماینده محترم بشود مگر اینکه یک چیز دیگری داشته باشد و الا آنچه که بنده توجه کردم در بدین در این ماده آنچه را که ایشان اظهار فرمودند جای نگرانی ندارد اگر هم ممکن است نظر دیگری داشته باشند پیشنهاد بنفرمایند تا در شور دوم کمیسیون در نظر گرفته شود.

رقیسی - ماده ۴۲:

ماده ۴۲ - رئیس دادگاه میتواند گواه و کارشناس و رایزن قنی را پس از اتمام اظهارات نماینده دادرسی را طرف های خصوصی اجازه خروج دهد با قید اینکه در صورت لزوم

جدداً دعوت خوانند و میتواند گواه را از مابین در جلسه دادرسی منع کند و یا اسر کند در اطاق دیگر تا صدور امر مجدد توقف نماید.

رقیسی - ماده ۴۳:

ماده ۴۳ - مدارک و آلات بزه و اشیاء حاصله از آن هر چیز دیگر که میتواند مثبت بترنگاری یا برائت شود - در صورت اقتضا: به نظرهای خصوصی و گواه ارائه و با تأیید تکلیف میشود که اگر آنها را میباشند اظهار دارند.

ارائه شدن اشیاء و باسخی که داده میشود در صورت مجلس درج میگردد.

رقیسی - ماده ۴۴:

ماده ۴۴ - قواعدیکه در فصل بازرجویی راجع بوسایل اثبات از قبیل معاينه و آزمایش و بازشی و ضبط اشیاء و شناختن اشیاء و اشخاص و کارشناس و مترجم و رایزن قنی و گواه و مواجبه مقرر شده در دادرسی نیز تا اندازه که قابل اعمال است باید رعایت شود مگر آنکه قانون طور دیگر مقرر کرده باشد.

مجمین حکم ماده ۲۶۴ در دادرسی رعایت میشود.

رقیسی - ماده ۴۵:

ماده ۴۵ - فرات محتویات پرونده بازرجویی در دادگاه جایز است.

رقیسی - ماده ۴۶:

ماده ۴۶ - در دادگاه نماینده دادرسی او طرفهای خصوصی و مدافین میتوانند در اثبات دادرسی توسط رقیسی دادگاه بررشتهای از منتهی و مسئول مدنی و خواهان خصوصی گواه و کارشناس و رایزن قنی بنمایند و رد و قبول درخواست برریش با رقیسی دادگاه است.

رقیسی - ماده ۴۷:

ماده ۴۷ - همیتکه رسیدگی بدلائلی خاصه یا تحت خواهان خصوصی درخواست ای خود را مینماید میتواند در اطراف آن توضیحات لازم بدهد سپس بترتیب نماینده دادرسی بیان ادعا نموده و نسبت بیزه و کثیر منتهی اظهار عقیده میکنند و

مدافین منتهی و مسئول مدنی مدافنه میشوند. مدافع طرفی بیکریه میتواند نفس بگوید بیکریه مدافع منتهی که حق داد ریاستی که به اظهارات او داده شده پاسخ دهد اگر منتهی در مدافع دانسته باشد هر دو میتواند مدافنه کنند بشرط آنکه هر کدام قسمتی از آن را عهده دار شود. هیچ مدافنی بیش از مدنی که از طرف رئیس دادگاه قبلاً تعیین شده نمیتواند سخن بگوید و اگر مدافنه خود را پیش از آن مدت طولی در رئیس دادگاه باز تکلیف میکنند که بنظر کمیسیون مدافنه خود قناتند و اگر اسرار روز در از نظر او جلوگیری میکنند.

مدافنه که شروع شد باید در همان جلسه ختم شود و هر مدافنیکه رئیس دادگاه باز تکلیف مطلقاً باید نمیتواند از سخن گفتن امتناع کند تا مدافع شروع بنطق کرد چنانچه وقت کافی باقی نمانده باشد باید جلسه امتداد داده شود تا مدافنه او خاتمه یابد.

فقط نماینده دادرسی و مدافع منتهی حق دارند یاسخی که با آنها داده شده پاسخ دهند ولیکن فقط بیکریه و اگر هم منتهی در مدافع دانسته باشد فقط یکی از آنها آن پاسخ را میدهد این نطق درمی نباید از حدود رد استدلال طرف که سابقاً باسخی بآن طرف شده تجاوز کند.

منتهی و مدافع او در صورت درخواست باید در آخر همه نطق کنند ولیکن نطق آخر آنها باید مختصر بوده و منحصرأ مربوط بموضوع دفاع باشد.

رقیسی - ماده ۴۸:

ماده ۴۸ - جریان دادرسی مذکور در ماده پیش را نمیتوان برای پذیرفتن ادله جدید قطع کرد مگر آنکه بنظر رئیس دادگاه ضرورت دانسته باشد.

رقیسی - ماده ۴۹:

ماده ۴۹ - هر گاه مدافین در بیانات خود اظهارات مشوشی و یا خارج از موضوع نمایند رئیس دادگاه پس از در بریه احتیاط از نطق آنها جلوگیری میکند.

رقیسی - ماده ۴۹:

ماده ۴۱۰ - بهلاجهائی که در انشای دادرسی پیش آمده بلااثر است مگر آنکه طرف ذی نفع قبل از انتام عمل موجب بطلان یا اگر ممکن باشد بلافاصله بعد از انتام ایراد نماید. ایراد باید در صورت مجلس قید شود.

رئیس - ماده ۴۱۱ :

مبحث چهارم - حکم
ماده ۴۱۱ - همینکه مذاکرات تمام شد ختم دادرسی اعلام میشود.

دادرسی که در دادرسی شرکت کرده اند و از بی سوادی رأی میدهند و رأی دادگاه بلافاصله در جلسه علنی از طرف رئیس دادگاه یا یکی از کزندان آن قرائت میشود مگر در موارد مذکور در قسمت دوم ماده ۳۶۶ و قسمت اول ماده ۳۶۳ که در این موارد اعلام در جلسه سری بعمل میآید. اعلام رأی دادگاه نسبت به تمام کسانی که در جلسه دادرسی حاضر یا باید حاضر محسوب شوند بمنزله ابلاغ حکم است.

رئیس - ماده ۴۱۲ :

ماده ۴۱۲ - در دوازی رئیس دادگاه مسائل مفداتی و ایراداتی که نسبت به آنها باید در ضمن حکم و رایج به اصل موضوع تعیین کرده شود و دستور عمل از ناحیه منتم و بزه بودن آن و دستور اقتضای اعمال کیفر و اقدامات تأمینی را جداگانه مطرح و مورد و از بی فرار میدهد.

رئیس دادگاه از دادرسی که پایه او کمتر است و صورت نسبی پایه از دادرسی که در پستی او کمتر است شروع به رأی کردن میکند و خود در آخر همه رأی میدهد. هر گاه بیش از دو رأی مختلف پیدا شود رأی دادرسی که علیه و کیفر شدیدتر دارند به رأی آنهاائی که از نظر شدت کیفر بایشان در دیکتر ملحق میشود تا کمترین اختلاف شود.

و از بی همیشه سری است. عدم رعایت مقررات پیش علت بطلان یا مبنای شکایت آن حکم است. میشود. رئیس دادگاه و کلزندان در صورتی که دادگاهی باشد رأی را اعضاء میکنند.

ماده ۴۱۶ - دادرسی منوطاً به در حکم خود بعمل انشایی عنوان قانونی دیگری غیر از آنچه در حکم جلب بدادرسی یا در ادعا نامه ذکر شده بدهد و کبری طبق آن عنوان هر چند شدید تر باشد اقدام کند اقدامات تأمینی اعمال نمایند بشرط آنکه رسیدگی از صلاحیت دادگاه بالا یا دادگاه اختصاصی نیاند.

رئیس - ماده ۴۱۷ :

ماده ۴۱۷ - هر گاه عمل انشایی واقع شده باینکه نبوده یا منتم مرتکب یا مسئول آن نبوده یا قابل کیفر نباشد دادرسی موجهاً حکم تبرئه میدهد. حکم تبرئه از جهت عدم وقوع عمل یا ارتکاب منتم اعم از این است که دلیل بر آن موجود بوده یا بر وقوع عمل یا ارتکاب منتم هیچ دلیل نبوده یا اوله کافی موجود نباشد.

اگر بزرگ مسافط شده باشد یا تعقیب کیفری از اول بيمورد بوده یا ادامه آن مورد ندارد باز رس موجهاً حکم منع تعقیب صادر میکنند.

در موارد فوق هر گاه مقضی باشد دادرسی امر بازآیی منتم و موقوف شدت کیفر های تبعی که موقتاً اعمال شده میدهد.

در حکم امر به موقوف شدن اقدامات تأمینی که موقتاً اعمال شده و در اثر تبرئه یا منع تعقیب باید ایفاء شود داده میشود و اقدامات تأمینی که باید بنظر دادرسی بر طبق قانون کیفر عمومی اعمال شود مقرر میکنند.

رئیس - آقای انوار

انوار - يك سؤالی بنده در این جا داشتم این ماده در ابتدایش می بود که دادگاه موجهاً حکم تبرئه را میدهد خوب وقتی بر حکم یا منتم تبرئه شد تمام آثارش هم از بین برود حبس، توقیف بازداشت اموال همه از بین برود زیرا او بری شد مگر آنکه حاصل نموده است ولی در آخر ماده می نویسند در موارد فوق اگر مقضی باشد دادرسی امر بازآیی منتم میدهد و حال آنکه او بری شده و حکم برائتش در آمده

است و بنده اینجا درست مفهوم دارم و تعقیب چیست پس از برائت تمام آثار جرم هم از بین میرود دیگر ذکر این کلامه اگر مقضی باشد چیست؟

مخیر که میگوید داد گستر - این قسمت در کیسیون هم مذاکره شد ایشان پیشنهادشان را بدهند و برای شور دو در نظر گرفته میشود.

رئیس - ماده ۴۱۸ خوانده میشود :

ماده ۴۱۸ - هر گاه جعلیت سند رسمی یا عادی ضمن رسیدگی ثابت شود این امر در حکم در قسمت مربوط برای ذکر میشود خواه حکم به محکومیت یا برائت یا حکم منع تعقیب صادر شده باشد و نیز در همان حکم امر باطل تمام باقیست از آن سند بر حسب اقتضای موارد بر گرداندن آن بحال اول یا تجدید یا اصلاح داده شده و طریقه اجراء آن نیز منم میگردد مگر آنکه تصرفات مذکور به نفع دیگری که دخالت در دادرسی داشته اختلال نماید.

رئیس - ماده ۴۱۹ :

ماده ۴۱۹ - امر مذکور در ماده پیش بوسیله دادرسی که از طرف رئیس دادگاه صادر کنند حکم معین شده یا حضور نماینده دادرسی اجرا میشود.

ایطال تمام سند بوسیله یاد داشت کردن حکم در جلسیه هر يك از صفحات آن سند و تنظیم صورت مجلس جداگانه مبنی بر انجام این عمل و اینکه آن سند نمیتواند منشاء هیچگونه اثر قضائی واقع شود بعمل میآید. و آن سند بیوست همان صورت مجلس میباشد و يك رونوشت از آن یکی که مالک آن بوده و با در ضبط آورده در صورتیکه درخواست کند و ثابت نماید که نفع مشروعی در این امر دارد داده می شود.

در سایر موارد که عبارتستند در اثر ایصال قسمتی از آن شده یا بر گرداندن آن بحال اول یا تجدید یا اصلاح آن درست شده است تمام عبارت اصلاح شده در صورت مجلس نقل میشود اگر آن سند در یکی از بابهای عمومی بوده به بیوست رونوشت گواهی شده صورت مجلس با تغییر گردانده میشود و اگر آت سند منطقی شخصی بوده مدبر دفتر آن را

بندیمه صورت نگاه میدارد و رو نوشتی از آن در صورت درخواست و اجراء فاع مشروع بان شخص میدهد رو نوشت نسبت به تمام آثار قضائی حکم اصل را دارد.

رئیس - ماده ۴۲۰ :

ماده ۴۲۰ - در صورت منع تعقیب یا تبرئه هر گاه بزه جزع شکایت متضرر قابل تعقیب باشد احکام مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ راجع به محکومیت بزه بینه که از طرف دولت قبلاً برادر داشته و بزه بینه و خسارات منتهی بامسئول مدنی اعمال میشود. اگر بزه از آگاهی باشد که از پیش خود قابل تعقیب باشد دادس در صورت درخواست متبذوران خواهان خصوصی را بزه بینه و جبران خسارات منتهی بامسئول مدنی که جلب بداد رسی شده یا خود وارد شده محکوم نماید در این صورت حکم ماده ۳۳۲ نیز رعایت میشود.

رئیس - ماده ۴۲۱ :

ماده ۴۲۱ - در غیر مورد مذکور در ماده ۴۱۷ دادس حکم بگیرد داده و در صورت اقتضا امر به اعمال اقدامات تأمینی میدهد.

در حکم محکومیت در صورت اقتضا محکوم بزه کار به عادت اعلام می شود.

دوره دویکم مطابق قانون از جهت وجود کیفیت متشده عام یا خاص یا از جهت تعدد یا تکرار بزه کیفر متکب زیاد میشود همچنین در موارد کم شدن کیفر بواسطه وجود کیفیت متخففه عام یا خاص دادس باید علاوه بر کیفر بکه در نتیجه کم یا زیاد کردن مین نموده مقدار کیفر یا کیفر حالیکه قطع نظر از تعدد یا تعدیف به ترتیب مقرر در مواد مربوطه برای یک بزه با هر یک از بزه در نظر گرفته نیز در حکم ذکر کند.

رئیس - ماده ۴۲۲ :

ماده ۴۲۲ - در مواردیکه بر طبق ماده ۱۰۴ قانون کیفر عمومی خلاصه حکم محکومیت باید بدیوار البساق شود دادس در رأی خود آرا قید میکند.

رئیس - ماده ۴۲۳ :

ماده ۴۲۳ - هر که محکومیت منتهی سبب محرومیت او از کارهای عمومی یا یکی از آنها با کار یا پیشه یا محرومیت از حق ولایت و بامسئولم اجراء اقدامات تأمینی باشد دادس میتواند در حکم خود قید نماید که محکوم موقتاً از تصدی کارهای عمومی یا بعضی آنها یا اشتغال بکار یا پیشه یا ولایت محروم گردد و اقدامات تأمینی در باره او اجراء شود.

این حکم منحصراً از جهت اینکه امر باجره اذ کیفرهای تبیی یا اقدامات تأمینی داده شده قابل شکایت نیست.

رئیس - ماده ۴۲۴ :

ماده ۴۲۴ - تصدیقاتیکه دادس در وجه بود ماده پیش میکند باید بلا فاصله اجراء شود هر چند در حکم شکایت شده باشد.

رئیس - آقای اردی

اوحدی - هر چند در این دو ماده پیش که این ماده باها اشاره میکند مربوط باجره حکم محکومیت منتهی نیست و فقط راجع بیک عملیاتی است که آنها بعینه بنده دارای اهمیت خصوصی است که جبرانش مورد اشکال خواهد بود اگر شکایت کرد محکوم در دیوان کشور شکسته شد در ماده پیش نوشته شده یکی از تصدیقات دادگاه این است که در حکم قیدمی کند صورت محکومیت فلان منتهی را هر چه شده است بدیوار البساق میشود این البساق برای چیست برای این است که ناظرین بفهمند که این آدم محکوم شده است بدیوار حبس یا بتبذال حبس یا بجره چه که محکوم شده است از حقوق اجتماعی و یک عده زبانی ناظر این آنچه هستند و آن را این محکومیت و میخوانند و میفهمند آنوقت فردا در دیوان کشور این حکم حکمه با همه این آثار شکسته که شد و از بین رفت چه چیز جبران میکند آن ملاحظه را که اشکال خارجی نسبت باین آدم کرده اند که این محکوم است در مقابل فلان عمل آیا آن حکم کیفری هم که در دیوان کشور شکسته شد آنها باز میآید و بدیوار البساق میشود و همان آدمهایی که آن بر یک پیش را دیده اند آنها هم میآیند این را ملاحظه میکنند که این را یا کس بداند و بگویند که این آدم

بی تغییر بوده است و گناهی نداشته و تقصیری متوجه این نیست این را که تصدیر کند که اینطور باشد این است که توجه میدهم آقای وزیر دادگستری را باین نکته که منتهی تا وقتی که حکم قطعی بشود و قابل اجراء بشود بعینه بنده باید محترم باشد از هر جهت باید مدیون باشد تا آن ساعتی که میخوانند بدیوار بزند باید محترم بدیوار بزند با پس گردنی و یک ترتیبی باید محترم ماهه بیرند و بگویند تویز حکما هستی و باید معلوم شوی پس قبل از اینکه حکم قطعیته پیدا کند در ملاه با بدیوار چسبایدن بنظر بنده مقضی نیست حالا اگر موافقت میفرمودند با حذف این ماده که موافقت بفرمایند یا اگر با حذف موافقت نفرمایند که قید قطعیته را اشاره کنند که پس از قطعیته ممکن است این کار بشود.

وزیر دادگستری - تذکری را که آقای نماینده محترم دادند البته در کمیسیون مورد توجه خواهد شد و برای شور دوم بطوری که باید اعمال شود بر من مجلس خواهد رسید. اینجا خواستم یک چیزی را که ایشان اتفاقاً گویا تذکر دادند آن را تکذیب کنم در ضمن داجوئی و البته اظهار محبت نسبت بهمتم گفتند که دیگر پس گردنی و اینها لازم ندارد تصدیر میکنم که آقایان میدانند که صحبت پس گردنی و این جور چیزها درین نیست (صحیح است) و تصدیر میکنم درست توجه نفرمودند (صحیح است).

رئیس - ماده ۴۲۵ خواننده میشود :

ماده ۴۲۵ - در مواردیکه قانون تعلق کیفر را اجازه داد و دادس هر مقضی بداند در حکم محکومیت آرا قید می نماید.

رئیس - ماده ۴۲۶ :

ماده ۴۲۶ - در حکم محکومیت بگیرد جز در مورد حکم اعدام محکوم بتأبوه بزه بنده دعوی کیفری محکوم میشود اشخاصی که رمی یک بزه یا بزه های مربوط محکوم میشوند ملزمند که بزه را متعاضماً بپردازند.

کسیکه در یک دادسی برای بزه های غیر مرتبط محکوم میشود تضامناً آنها فقط نسبت بزه مشترک مربوط به

بزه هائی است که برای آنها محکومیت پیدا کرده اند. همچنین بزه بنده محکومین در مدت بازداشت آنها بعهده خود آنها گذاشته میشود. مسئول مدنی که وارد دادسی باجلب شده است و مسئولیت او درجکم قید گردیده ملازم است بزه بنده دعوی کیفری را بامتنهی که محکوم شده متعاضماً بپردازد هر گاه دادس راجع بزه بنده بر طبق احکام سابق رأی نداده حکم بطوریکه در ماده ۹۹۹ تعیین شده اصلاح میشود.

رئیس - آقای اوار

انوار - بنده میخوانم که اینجا یک توضیحی آقای وزیر محترم بدهند که مقصود از مسئول مدنی کیست رئیس محکم حقوق است دادس است کیست ؟ در این قانون خیلی اشاره شده ولی توضیح نداده و من بیدان مقصود چیست ؟

وزیر دادگستری - سؤال آقای البته بود است برای

اینکه این کلمه مسئول مدنی سابقه نداشته است و جلالت ذکر داده میشود و عنوان پیدا میکند اصل موضوع این است. مسئول مدنی آن کسی است که مثل ولی شخصی که تحت قیمومت است یا امثال آن که مرتکب امری میشود و بکسی ضرری زاعمال او منوجه میشود کسی که مسئول این امر است او مسئول مدنی است یا فرزند بفرماید مقصدی یک بنگاهی یا یک شوقوری دارد که در آن بنگاه کارمی کند زاعمال شوقور یا یک شخصی مرتکب میشود عمل کار خود شوقور نموده است مربوط بان بنگاه بوده است آن بنگاه و رئیس آن مؤسسه و آن مؤسسه مسئول این امر واقع میشود و این را مسئول مدنی میگویند.

رئیس - ماده ۴۲۷ خواننده میشود :

ماده ۴۲۷ - در حکم محکومیت منتهی و مسئول مدنی که خود بداد رسی وارد یا جلب شده است طبق ماده ۲۱۷ قانون کیفر عمومی برد مال یا جبران خسارت وارده به خواهان خصوصی متعاضماً محکوم میشوند.

منتهی که حکم بوضع تعقیب او صادر میشود تعینات بری عمل شرکاء محکوم خود بعنوان مسئول مدنی محکوم نمود مگر آنکه در موقع اجتناب بدادسی باین عنوان نیز دعوت شده باشد.

مدنی است که میشود ولی باشد قیم باشد شرکت باشد و نظایر و امثال آن. (صحیح است)

رئیس - ماده ۴۲۸ خوانده میشود:

ماده ۴۲۸ - انتشار حکم محکومیت بر حسب ماده ۲۱۸ قانون کيفر بدرخواست ذی نفع در همان حکم قیبه میشود انتشار حکم هزینه محکوم و در صورت اقتضاء نیز هزینه مسئول مدنی يك تا دو مرتبه در روزنامه هائی که از طرف دادرس تعیین شده بعمل میآید دادرس در همان حکم مهلتی برای کسیکه ملزم بانشار است معین می کند و اگر آن مدت سپری شد و منتشر نکرد شخص ذی نفع میتواند خود اقدام بانشار حکم بنماید و هزینه آراء از کسی که ملزم بانشار است مطالبه نماید.

[۳ - تصویب دو فقره مرخصی]

رئیس - دو فقره گزارش از کمیسیون عراض و مرخصی رسیده است. گزارش مرخصی آقای مشار:

آقای عیسی مشار درخواست بیست روز مرخصی از تاریخ ۱۲ ارداد ۱۳۱۹ نموده اند و کمیسیون با درخواست ایشان موافقت نموده اینک گزارش آن تقدیم میشود.

رئیس - موافقتن بامرخصی آقای مشار برخیزند (اكثر برخاستند) تصویب شد. گزارش مرخصی آقای شجاع: آقای شجاع در اثر کسالت عارضه در خم آباد که قادر بر حرکت بوده اند هشت روز از تاریخ ۲۳ ارداد ۱۳۱۹ غایب بوده اند و درخواست اجازت این مدت را نموده اند. کمیسیون عراض و مرخصی عذر ایشان را موجه تشخیص داده و با اجازت هشت روزه ایشان موافقت نموده اینک گزارش آن بعرض میرسد.

رئیس - موافقتن بامرخصی آقای شجاع برخیزند (بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد.

[۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینه روز یکشنبه هفتم مهر ماه ساعت بیس از ظهر دستور لوائح موجوده. (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن مستقذ پلری

اگر دادرس از روی اسناد و برگه های موجود نتواند راجع بمقدار خسارت رأی بدهد دعوی را بدادگاه مدنی محل رسیدگی کبفری که امر در مرحله نخستین در حد نصاب آن است احاله میدهد و این رسیدگی احتیاج بتجدید دادخواست ندارد.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده معذرت میخواهم این توضیحی که آقای وزیر محترم دادند آن هم اولش که فرمودند صحیح ولی قسم دوم که مثل زند بشو فور که پشت انومبیل نشسته است اگر ضرر رساند مسئول صاحب انومبیل است؛ با شرکت است؛ این را خواستم عرض کنم هر کس هر بزهی ازش ناک می شود مسئول آن خودش است مسئول مدنی ناآنجائی که فرمودند ولی و قیم است این صحیح است ولی غیر از ولی و قیم چون فرمایش شما در مجلس شورای ملی که بنده سؤال میکنم و جواب میفرمائید رعایت دارد و در حکم قانون است توضیح میشود بهتر است در مورد شو فور که يك کاری کرده دیگری مسئول بزه از بیست صاحب انومبیل چه؟ این را نفهمیدم. وزیر دادگستری - بنده تصور کردم که آقا درست باده توجه فرموده اند چون در خود ماده هم تکلیف را در واقع روشن کرده منتهی راجع باین عنوان مسئول مدنی که سؤال فرمودند ممکن بود اشکالی پیش بیاید و روشن باشد این بود که توضیحی باختصار دادم - و الا عرض میکنم موضوع مربوط بجزیه کيفر بیست مربوط بیزه بیست اشتباه نشود بلکه مربوط بجزیران خسارانی است که در نتیجه عمل يك کسی برای یک نفر دیگر پیش می آید و ضرر و زیانی در نتیجه جرم متوجه او میشود جبران عمل يك کسی که از عمل يك شو فور با يك مکلفین برای دیگری پیش آمده و متضرر شده با آن ولی یا قیم یا مدیران بنگاه و مؤسسه است که این شخص مربوط با آنها است ولی این مربوط بکيفر بیست و صحبت از جرم بیست که بگوئیم چون مرتکب این است خود این هم باید از عهده کيفر بر آید البته کيفر متوجه کسی است که مرتکب عمل بزه شده است ولی جبران ضرر و زیان حاصله از جرم و از کاری که شده است البته با مسئول